

بررسی سد و فتح ذرائع از نظر مذاهب اسلامی

□ سید حسین خادمیان نوش آبادی *

□ سید محمدطه خادمیان نوش آبادی **

چکیده

فقه مذاهب اسلامی در تمام ابواب و فروع، مبتنی بر ادله و قاعده می باشد و بیان حکم شرعی باید مستند و مستنبط از منابع معتبر شرعی باشد و بدیهی است هیچ حکم شرعی نمی تواند بدون استناد به منابع و ادله احکام شرعی و اثبات حجیت آن از سوی هیچ فقیهی صادر گردد. اهمیت این مطلب آن قدر واضح و اهمیت دارد که، با استناد به آیات ۴۴ تا ۴۶ سوره حاقه که خدای متعال در بیان مطالب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هشدار شدید می دهد، «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (و اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می کردیم)، برخی از علماء، از دادن فتوا در هراس و احتراز بودند.

سد و فتح ذرائع که از سوی برخی عالمان مذاهب اسلامی به عنوان یک دلیل در استنباط و بیان حکم شرعی مطرح شده، با توجه به حساسیت احکام و این که باید صدور حکم بر مبنای شرع مقدس باشد، بایسته بررسی بر اساس فقه مقارن است.

این پژوهش با تکیه به روش تحلیلی و انتقادی و شیوه کتابخانه ای، پاسخ این سوال اساسی را واکاوی می نماید: آیا «سد و فتح ذرائع» از حجیت لازم جهت صدور حکم شرعی در میان مذاهب اسلامی

* مدرس سطوح عالی حوزه علمیه و دکتری تاریخ اسلام، فقه مقارن و کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث و تصوف و عرفان اسلامی.

** طلبه حوزه علمیه تهران و کارشناسی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم.

برخوردار است و در راستای رسیدن به پاسخ پرسش و با امعان نظر در آرا و نظریات عالمان مذاهب اسلامی، این نتیجه حاصل شده است: ادله مورد ادعای موافقان سد ذرائع، مخدوش بوده و توان اثبات حجیت آن را ندارد. و در واقع سد و فتح ذرائع یک اصل مستقل در مقابل دیگر اصول نیست و از صغریات حکم عقل بوده و اصل مستقلى به حساب نمى آید.

کلید واژه‌ها: فقه مقارن، سد و فتح ذرائع، احکام شرعی، ادله استنباط.

مقدمه

سَد ذَرَائِیُّ از ادله استنباط حکم شرعی نزد فقیهان اهل سنت؛ به‌ویژه فقهای مالکی و حنبلی است. (بحرانی، ج ۲، ص ۱۷۷)

به گزارش برخی از اصولیان، مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی، نخستین کسی بود که سد ذرائع را به عنوان یکی از منابع اجتهاد، معرفی کرد. (جمعی از نویسندگان، ج ۱، ص ۴۸۹) البته قرافى، فقیه مالکی قرن هفتم هجری، بر این نظر است که سد ذرائع اصل آن اجمعی اهل سنت است و از ابداعات مالک بن انس نبوده و اختصاص به مذهب مالکی ندارد؛ بلکه برخی از انواع آن مورد پذیرش همه مذاهب فقهی اهل سنت است. (همان، ج ۲، ص ۳۲)

موافقان سد و فتح ذرائع، برای اثبات حجیت آن به دلیل عقل و ادله‌ای از قرآن، روایات پیامبر ﷺ و گفتار صحابه استناد کرده‌اند. در مقابل، بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت با سد ذرائع به عنوان منبعی برای استنباط حکم شرعی مخالفند. به سخن دیگر، علمای اصول، درباره این که «سد و فتح ذرائع» از ادله احکام شرعی است، اختلاف نظر دارند. برخی آن را حجیت و عده‌ای از آنان، حجیت آن را انکار می‌کنند. (طبسی، ص ۱۱)

گروهی از عالمان اهل سنت سد ذرائع را با قاعده حَسْم ماده فساد (قطع ریشه و مقدمه فساد) یکی دانسته‌اند (ابن عاشور، ج ۲، ص ۳۰۵) قاعده حسم ماده فساد، از قواعد مورد استفاده نزد فقهای شیعه در استخراج و بیان برخی احکام شرعی است. (شهید ثانی، ج ۱، ص ۳۰۱)

قرافی مالکی درباره سد و فتح ذرائع می‌نویسد: «هو حسیم مادة وسائل الفساد دفعا لها ...»؛ ریشه کن کردن وسائل ارتکاب حرام برای جلوگیری از تحقق فعل حرام، را «سد ذرائع» گویند (همان، الفروق، ج ۳، ص ۴۵)

سد ذرائع به عنوان ممانعت از مقدمات و اسبابی است که منتهی و منجر به فعل حرام گردد و بر پایه آن، کار مباحی که مقدمه برای انجام عمل حرامی باشد، حرام خواهد بود و برای اثبات حجیت آن به دلیل عقل و ادله‌ای از قرآن، روایات پیامبر اکرم ﷺ و گفتار صحابه استناد کرده‌اند. در مقابل، بسیاری از فقهای مکتب اهل البیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت با سد ذرائع به عنوان منبعی برای استنباط حکم شرعی مخالفند. سید محمدتقی حکیم، از علمای امامیه می‌نویسد: مباحث مربوط به سد ذرائع در ضمن مسئله مقدمه واجب در منابع اصولی شیعه بحث شده است. (همان، ج ۲، ص ۵۸) زیرا در مقدمه واجب یا مقدمه حرام، از این بحث می‌شود که اگر چیزی واجب یا حرام باشد، آیا مقدمه رسیدن به آن چیز نیز واجب یا حرام است.

بنابراین با وجود این اختلاف نظرها، شایسته است دلیل «سد و فتح ذرائع» مورد بررسی قرار گیرد. بدین روی این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش، انسجام و تدوین یافته است: آیا می‌توان «سد و فتح ذرائع» را از ادله احکام یا منابع معرفتی احکام شرعی دانست؟ و آیا می‌توان با امعان نظر در متون مرتبط، این دلیل را از منظر فقهای امامیه و برخی فقهای اهل سنت که منکر حجیت آن هستند آیا این دلیل از نظر علمی قابلیت به رسمیت شناختن دارد؟

مفاهیم

واژه «سد» در لغت به معنای بستن روزنه و «ذرائع» جمع «ذریعه» و به معنای وسیله و راه رسیدن به چیزی است (ابن قیم، ج ۳، ص ۱۳۵) و از آن به «مقدمه» نیز تعبیر شده است (بحرانی، ج ۲، ص ۱۷۷) ذریعه در اصطلاح فقها وسیله یا راهی است که منجر به فعل حرام می‌شود. (ابن عاشور، ج ۲، ص ۳۰۵) البته به گفته برخی فقیهان، ذریعه در معنای عام، به هر وسیله‌ای اطلاق می‌شود که علاوه بر حرام، باعث رسیدن به سایر احکام پنجگانه گردد. (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۹۴) بنا براین اگر وسیله، منجر به فعل واجب گردد، آن وسیله نیز واجب است، همچنین اگر منجر به فعل مباح یا مستحب گردد، وسیله نیز مباح یا مستحب است (ابوزهره، ص ۲۸۸) و برای آن اصطلاح «فتح ذرائع»؛ (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۹۴) یعنی باز گذاشتن وسیله و راه‌های رسیدن به فعل واجب، مستحب و مباح، بکار برده می‌شود. (بحرانی، ج ۲، ص ۳۶۱)

سد ذرایع به معنای جلوگیری از مقدمات و وسیله‌هایی است که منجر به فعل حرام می‌گردد (بحرانی، ج ۲، ص ۱۷۷) مذاهب فقهی مالکی و حنبلی از سد ذرایع به عنوان یکی از منابع استنباط حکم شرعی استفاده می‌کنند (ابن رشد، ج ۲، ص ۳۹) و بر پایه آن، کار مباحی که مقدمه برای انجام عمل حرامی باشد، حرام خواهد بود. (برهانی، ص ۷۴) و جلوگیری از آن واجب است (ابن عاشور، ج ۲، ص ۳۰۶) مثلاً فروش انگور به خودی خود، مباح است؛ اما به کسی که قصد دارد، با آن انگور شراب درست کند، حرام است. (ولائی، ص ۱۹۳)

جایگاه سد ذرائع

سد ذرایع نزد فقهای اهل سنت؛ به‌ویژه فقهای مالکی و حنبلی معتبر است. (ابوزهره، ص ۲۷۸) و برای اثبات حجیت و اعتبار آن به ادله‌ای از قرآن، روایاتی از پیامبر اکرم ﷺ و سخن صحابه استناد کرده‌اند. (ابن قیم، ج ۳، ص ۱۰۸) آنان همچنین با استناد به دلیل عقل در صدد اثبات حجیت سد ذرایع برآمده‌اند. (حکیم، ج ۲، ص ۶۰) به عنوان نمونه ابن قیم جوزی معتقد است که اگر خداوند چیزی را حرام کند ولی مقدمات و راههای رسیدن به آن چیز را حرام نکند، نقض حرمت و ترغیب به آن حرام، لازم می‌آید و این موارد با حکمت خداوند ناسازگار است. (ابن قیم، ج ۳، ص ۱۰۹)

گروهی از فقها و اصولیان شیعه و اهل سنت در مقابل، سد ذرایع را به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی نپذیرفته‌اند. (ولایی، ص ۱۹۴) به گفته سید محمدتقی حکیم احکام شرعی، تابع مصالح و مفسد است، اگر چیزی دارای مفسده باشد، شارع آن چیز را حرام اعلام می‌کند و لازم نمی‌آید که در مقدمه آن نیز مفسده‌ای وجود داشته باشد. (حکیم، ج ۲، ص ۶۰) محمد رضا مظفر، فقیه شیعه و مؤلف کتاب اصول الفقه، نیز بر این نظر است که سد ذرایع از جمله ظنونی است که از عمل به آنها نهی شده است و هیچ دلیلی برای اعتبار و حجیت آن وجود ندارد. (مظفر، ج ۲، ص ۱۸۰)

نمایه کاربرد

با بررسی متون فقهی اهل سنت، آشکار می‌گردد: بسیاری از علمای اهل سنت معتقدند هر

عملی که به حسب عادت سرانجام به مفسده‌ای منتهی گردد، به استناد اصل «سد ذرائع» باید ممنوع اعلام گردد؛ یعنی هر عملی که وسیله حرام گردد باید ممنوع شود. مثلاً «حنابله» به استناد این اصل، ورود زنان را به قبرستان حرام می‌دانند، زیرا معتقدند این امر معمولاً با سوگواری همراه است و عادتاً موجب برهنه شدن سر و روی آنان جلوی دیدگان اجنبی می‌گردد و مفسده دارد، پس باید از ابتدا از وقوع آن ممانعت نموده و راه آن مسدود شود.

برخی احکام فقهی که بر سد ذرائع مبتنی اند به شرح زیر است:
عده‌ای از فقهای مالکی درباره ازدواج مرد مسلمان با زن کافر کتابی، با استناد به سد ذرائع بر این نظرند که اگر مفاسدی چون رفتن به کنیسه یا کلیسا، خوردن گوشت خوک و شراب بر این نکاح مترتب شود یا خوف وقوع در این امور را داشته باشد، اقدام به عقد حرام است (جزیری، ج ۴، ص ۷۳)

فقهای مالکی و حنفی با استناد به سد ذرائع درباره رفتن زنان به زیارت قبور، بر این نظرند که چنانچه مفاسدی بر آن مترتب شود یا خوف وقوع در فتنه و مفسده باشد، حرام است. (جزیری، ج ۱، ص ۴۹۱)

به گفته ابن قیم جوزی با توجه به سد ذرائع، بستن عقد نکاح در جایی که زن در حال عده و یا احرام باشد، حرام است؛ زیرا عقد در این دوران، وسیله و راهی برای آمیزش حرام است. (ابن قیم، ج ۳، ص ۱۱۳)

از نظر برخی فقهای اهل سنت، با استناد به سد ذرائع، خلوت با نامحرم برای جلوگیری از تحریک شهوت جنسی و افتادن در فعل حرام، حرام است. (ابن قیم، ج ۳، صص ۱۱۲) شهید ثانی، فقیه شیعه قرن دهم هجری، با استناد به قاعده حسم ماده فساد (شهید ثانی، ج ۱۲، ص ۷۲) و آیت الله خویی، از باب مقدمه حرام، (توحیدی، ج ۱، ص ۳۵۰) خلوت با نامحرم را حرام دانسته‌اند.

فقهای امامی نیز در مباحث اصولی و در ضمن بحث «مقدمه واجب» بحث مقدمات حرام را مطرح نموده و با تفکیک اقسام و صورت‌های مختلف آن، به اظهار نظر پرداخته‌اند که می‌توان گفت با آن چه علمای اهل سنت با عنوان «سد ذرائع» در نظر می‌گیرند، بی‌شبهت نیست.

بیشتر آنان اعتقاد دارند حکم کردن به وجوب یا حرمت مقدمه، تبعی است و ثواب و یا

عقاب مستقل بر آن مترتب نمی‌گردد؛ لذا در مثال حضور زنان در قبرستان، نمایاندن بدن به نامحرم یک عمل حرام به حساب می‌آید و صرفاً بر این عمل مجازات اخروی مترتب است و بر مقدمه آن رفتن به گورستان جدای از ذی المقدمه، عقاب دیگری بار نمی‌گردد؛ در حالی که علمای عامه به استناد «سد ذرایع» برای مقدمات حرام، حرمت نفسی قائل شده‌اند.

حجیت و دلائل

حجیت سد ذرایع، به معنای صحت استناد به سد ذرایع به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی است.

نظر علمای اهل سنت

بیان شد، میان علمای اهل سنت درباره حجیت سد ذرایع اختلاف است:

۱. «ابن حزم ظاهری» به طور مطلق آن را حجت ندانسته است؛
۲. «مالک بن انس» و «احمد بن حنبل» به طور مطلق آن را پذیرفته‌اند؛
۳. «شافعی» و «ابوحنیفه» در برخی موارد به حجیت آن معتقدند.

نظر علمای شیعه

علمای شیعه، سد ذرایع را به عنوان منبع شناخت احکام نپذیرفته‌اند، هر چند نظریات برخی از علمای شیعه درباره «مقدمه واجب» ممکن است در عمل، با نظر کسانی که اعتقاد به حجیت سد ذرایع دارند، یکسان باشد. (حکیم، ص ۴۱۴)

ادله حجیت سد ذرایع

طرفداران حجیت سد ذرایع برای اعتبار آن به ادله اربعه استناد نموده‌اند؛ برای نمونه، به برخی آیات مورد استناد اشاره می‌گردد:

۱. استناد به بعضی از آیات قرآن مجید مانند:

الف: «و لا تسبّوا الذین یدعون من دون الله فیسبّوا الله عدوا بغير علم؛ به آن‌هایی که

غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید تا مبدا ندانسته و از روی عداوت، خدا را دشنام دهند». (انعام: ۱۰۸)

ب: «و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن...» زنان به هنگام راه رفتن پای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهان آنها دانسته شود.». (نور: ۳۱)

به موجب این آیات، حرام شدن اعمال یاد شده صرفاً به دلیل مفسده‌ای است که در ذی المقدمه آنها وجود دارد (البته چنین صراحتی در این آیات وجود ندارد) (ابوزهره، ص ۲۷۰-جناتی، ص ۳۸۰-۳۷۴)

۲. استناد به برخی احادیث در حجیت سد ذرائع استناد کرده اند که نمونه ای از آن روایات به شرح ذیل است:

الف: روایاتی که قاضی را از گرفتن هر نوع هدیه منع نموده است تا مبدا در ورطه اخذ رشوه گرفتار شود.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هدایا العَمَّال غلول»، هدیه گرفتن کارگزار حکومت، خیانت است. (ابن حنبل، ج ۱۱، ص ۸۳)

ب: حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «و من الکبائر شتم الرجل والدیه ..» یکی از معاصی کبیره، فحاشی انسان به والدین خود است، سوال شد چگونه انسان به پدر و مادر خود فحاشی می‌کند؟ فرمود: وقتی او به والدین دیگری فحش دهد و در مقابل او نیز به پدر و مادر وی فحش دهد.

موافقان حجیت سد ذرائع می‌گویند: واقع حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فراهم کننده زمینه دشنام به والدین را، فحاش به والدین می‌داند و این نوع استدلال فقط از باب سد ذرائع قابل تحلیل است (جابر، ص ۲۰)

۳. اجماع و اتفاق صحابه بر عمل به ذرائع

علمای اصول اهل سنت معتقدند: بر اساس آیه قصاص، اصل اولیه و رعایت تناسب بین قاتل و مقتول این است که اگر چندین نفر به اجماع یک نفر را به قتل برسانند باید در مقابل یک نفر از آن‌ها را به قتل برسانیم. اما در این باره صحابه اجماع دارند که اگر جماعتی بر قتل یک نفر اجتماع کردند، باید همه آن‌ها را در برابر آن یک نفر قصاص کرد، زیرا اگر چنین نشود،

این وسیله راهی برای آنان که می‌خواهند از قصاص فرار نمایند خواهد شد. (آل‌الشیخ، ص ۲۰)
۴. دلیلی عقلی

علمای اصول اهل سنت برای اثبات حجیت سد ذرایع، به دلیل عقلی استناد دارند و می‌نویسند: اگر شارع مقدس، افعالی را حرام کند، ولی مقدمان وصول به آن را حرام نکند، یا افعالی را واجب نموده لکن، مقدمات وصول به آن را واجب نکند، در این شکل از فرضیه، نقض غرض استظهار شده زیرا لازم می‌آید: مکلف با ارتکاب مقدمات افعال حرام به سمت ارتکاب خود حرام کشیده شود و با ترک مقدمات افعال واجب، موجبات تعطیلی امر مولی فراهم شود، و این نقض غرض مولی است و نقض غرض برای حکیمی مانند خداوند متعال رییس الحکما است، محال است. بنابراین ترک همه مقدمات افعال حرام واجب و انجام مقدمات همه واجبات شرعی نیز واجب است (ابن قیم، ج ۳، ص ۱۳۵)

نقد و بررسی دلائل سد ذرائع

ادله موافقان حجیت سد ذرایع تبیین شد. ولی همان طور که اشاره شد، همه علمای اهل سنت و علمای شیعه سد ذرایع را از ادله و منابع معرفت به احکام شرعی نمی‌دانند. ولذا بر اساس تامل در متون فقهی مذاهب اسلامی روشن می‌شود: تنها علمای مالکی سد و فتح ذرایع را پذیرفته و علمای شافعی و حنفی به طور قطع آن را مردود می‌دانند (طبسی، ص ۷۵)

در این بخش به نقد برخی ادله موافقان کی پردازیم:

در استناد به آیه ۱۰۸ سوره انعام، ایرادات و اشکالات اساسی قابل طرح است که از آن موارد می‌توان گفت:

۱. در این مورد استناد به این آیه مشخص نیست، تحریمی که در آن اعلام شده تحریم غیری است یا تحریم نفسی و این احتما وجود دارد که نهی اعلام شده، صرفا نهی نفسی باشد نه تحریمی، یعنی به سبب مصلحتی در متعلق این امور خدای متعال فی نفسه آن را حرام نموده است نه این که مقدمه ای برای وصول به هدف دیگری باشد. (حکیم، ص ۳۹۸)
۲. اگر بپذیریم، بر اساس مفاد این روایات، شارع مقدس، توجه خاصی به مقدمات بعضی

افعال محرم به دلیل مبالغه بسیار آن‌ها داشته، به همین دلیل آن‌ها را حرام کرده تا مکلف در فکرش نیز قصد ارتکاب به آن را نداشته باشد، مانند حرمت قتل مومن که برای مقدمات آن نیز کیفر تعیین شده است و یا حرمت شرب خمر، و ... ؛ این مصادیق و موارد جزئی دلیل نمی‌شود که از این موارد جزئی قاعده کلی استنباط کنیم و حکم نموده که هر جا فعلی به لحاظ شرعی حرام است، مقدمات آن نیز حرام است (طبسی، ص ۷۵)

در خصوص استناد به حدیث نهی قاضی از دریافت غلول (هدیه)، باید گفت: به نظر نمی‌رسد امکان استناد به این گونه روایات ممکن باشد زیرا: هر چند دین برای حفظ دستگاه عدالت از فساد و مفسده، اخذ هدیه را منع فرموده است، لکن این دلیل نمی‌شود که بتوان از این گونه روایات یک قاعده کلی را استنباط کنیم، و حکم شود: به طور کلی هر جائی هرگاه احتمال وقوع در حرام بود، حرام است و این که در این گونه موارد چه بسا نفس منع شریعت از اخذ هدیه نسبت به قاضی و کارگزار حکومت، خود مصلحت مستقل و فی نفسه داشته باشد، و به جهت حساسیت جایگاه قاضی و کارگزار این نهی شدید اعلان شده است و لذا نمی‌توان گفت اخذ هدیه قطعا منتهی به وصول حرام دیگری است (طبسی، ص ۸۳)

یا در استناد به روایت فحش به والدین، این اشکال وارد است که خود متن حدیث تصریح دارد فحش از معاصی کبیره است، و لذا خود فحاشی به صراحت حکمش اعلام شده است که بنفسه گناه کبیره است و در مقام بیان این نکته نیست که چون این فعل مقدمه است برای این که دیگری والدین انسان فحاش را فحش دهد، فحاشی حرام شده باشد و لذا از این روایت مقدمه بودن این فعل را نمی‌توان استنباط نمود، بلکه کلا فحاشی به هر کس حرام است (طبسی، ص ۸۳)

۳. در خصوص دلیل عقلی، شک نیست نقض غرض مولای حکیم، محال و مردود است، اما چنین نیست که با حرام نکردن مقدمات افعال حرام و واجب نکردن مقدمات افعال واجب از طرف مولا، منهی عنه و مامور به ترک شوند. زیرا بنده ای که متعبد است، به صرف حرمت یک فعل عقلا درک می‌کند که مقدمات آن را نیز باید ترک کند، و همچنین به صرف واجب شدن فعلی از سوی خدای متعال، عقلا درک می‌کند که مقدمات آن را نیز باید اتیان نماید تا مامور به را انجام دهد، لذا حکم عقلی درباره حرمت مقدمات حرام و وجوب اتیان مقدمات

واجب، از حکم شرعی کفایت می‌کند و به بیان شرعی نیاز ندارد. (طبسی، ص ۸۰)

۴. در خصوص ادعای اجماع صحابه نیز باید گفت: این استناد نیز مردود و عقیم است زیرا چنان که از این استدلال قابل فهم است، منظور از اجماع و اتفاق، اجماع صحابه است و روشن است طبق مبانی اصولی اهل سنت، این اتفاق و اجماع را نمی‌توان اجماع اصطلاحی نزد اهل سنت به حساب آورد. چرا که بنا بر نص عالمان اهل سنت در اجماع شرط شده که اجماع کنندگان اهل علم باشند و تردید نیست که تمام صحابه اهل علم به معنای مصطلح نزد اهل سنت نیستند، بخاری نیز به این نکته تصریح کرده است و نکته بعدی این که اجماع مورد ادعا در این مساله، اجماع منقول است و بنا بر مبانی برخی از علمای اهل سنت مانند فخر رازی و شوکانی، چنین اجملاعی حجیت ندارد. ضمن این که این نوع استدلال برای اثبات احکام شرعی، اجتهاد در برابر نص است، زیرا در خصوص قصاص روایات فراوانی وجود دارد و با وجود روایات، نوبت به اجماع نمی‌رسد (طبسی، ص ۸۵)

نتیجه

با توجه به مطالب پیش گفته روشن می‌شود: از آن جا که بیان حکم شرعی باید مستند و مستنبط از منابع معتبر شرعی باشد و ادله مورد ادعای موافان سد ذرایع مخدوش بوده و مورد اشکالات اساسی قرار گرفته و به همین جهت است که بسیاری از عالمان مذاهب فقهی، آن را مردود و نپذیرفته اند و در واقع سد و فتح ذرائع یک اصل مستقل در مقابل دیگر اصول نیست و این اصل از صغریات حکم عقل است و اصل مستقلی به حساب نمی‌آید و مبنای سد و فتح ذرایع از صغریات دلیل سنت است و از ادله سمعیه بوده و دلیل مستقل به حساب نمی‌آید و نهایت چیزی که سد و فتح ذرایع به همراه دارد ظن و ظن نیز به حکم صریح قرآن واقع نمایی ندارد و فاقد اعتبار است و اگر بخواهیم سد و فتح ذرایع را از تحت عمومات حرمت عمل به ظن خارج کنیم لازمه آن تخصیص اکثر است که قبیح می‌باشد؛ زیرا در این صورت تمام ظنون تحت این قاعده قرار خواهند گرفت و چیزی تحت عمومات حرمت عمل به ظن باقی نخواهند ماند و دلایل دیگر، سد و فتح ذرائع فاقد حجیت اعتبار می‌نماید.

کتابنامه

قرآن مجید

- آل الشيخ، الاصول العامة و القواعد الجامعة للفتاوى الشرعية، بی جا، بی تا
ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
ابن رشد، محمد بن احمد، المقدمات الممهدات، دار الغرب الاسلامی بیروت، ۱۴۰۸ق
ابن عاشور، محمد طاهر، مقاصد الشریعة، وزارت اوقاف، قطر، ۱۴۲۵ق
ابن قیم، شمس الدین، اعلام الموقعین عن رب العالمین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق
ابوزهره، محمد، اصول الفقه، دارالفکرالعربی، بیروت، بی تا
بحرانی، محمد صنقورعلی، المعجم الاصولی، عترت، قم، ۱۴۲۶ق
برهانی، محمد هشام، سد الذرائع فی الشریعة الاسلامیة، دارالفکر، دمشق، ۱۴۰۶ق
توحیدی، محمد علی، مصباح الفقاهة، تقریرات درس آیت الله خوئی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۷ق
جابر، صالح، سد الذرائع للمحافظة على الضروریات الخمس، بی جا، بی تا
جبل عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، مسالك الافهام، مؤسسة المعارف الاسلامیة، قم، ۱۴۱۲ق
جزیری، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعة، دارالکتب الاربعة، بیروت، ۱۴۲۴ق
جمعی از نویسندگان، فرهنگ نامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹ش
جناتی، محمد ابراهیم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، کیهان، تهران، ۱۳۷۰ش
حکیم، محمد تقی، الاصول العامة للفقه المقارن، المجمع العالمی لاهل البيت، قم، ۱۴۱۸ق
طبسی، نجم الدین، سد و فتح ذرائع از دیدگاه فریقین، برگ فردوس، قم، ۱۳۹۵ش
القرافی، ابوالعباس، انوار البروق فی انواع الفروق، بی جا، عالم الکتب، بی تا
مکارم شیرازی، ناصر، انوارالاصول، ۱۴۲۸ مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۴۲۸ق
ولائی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، نشرنی، تهران، ۱۳۸۷ش.

